

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران با تاكيد بر دسترسى به امكانات و فرصت ها

خديجه سفيرى*، الهه ايمانى*

چکیده: در پژوهش‌های جامعه‌شناختی انجام شده در ایران به مسأله تحرك اجتماعى زنان كمتر پرداخته شده است. در حالیکه شناخت چگونگی تحرك اجتماعى زنان و میزان این تحرك مى‌تواند به برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های جامعه كمک نماید. این مقاله به بررسی تحرك اجتماعى بين نسلى زنان شهر نشین تهرانى مى‌پردازد. در این مطالعه تحرك اجتماعى بين نسلى دختران (نسل جدید) نسبت به مادرانشان با شاخص‌هایی چون سطح تحصیلات، تعداد فرزندان، سن ازدواج، منزلت شغلى و تصمیم‌گیری در انتخاب همسر سنجیده شده است. همچنین عوامل مؤثر بر تحرك اجتماعى بين نسلى زنان نیز بررسی شد. نتایج نشان داد که نسل دختران نسبت به نسل مادران و مادر بزرگ‌هایشان دارای تحرك اجتماعى صعودی بين نسلى بوده‌اند. مقایسه نمرات شاخص‌های تحرك اجتماعى در هر نسل بیانگر بالاتر بودن نمره تحرك اجتماعى دختران نسبت به مادران و مادران نسبت به نسل پیش از خودشان بوده و در میان عوامل مؤثر در نسل دختران، درآمد والدین مهم‌ترین نقش را در میان سایر متغیرهای مستقل به خود اختصاص داده است در حالیکه در نسل مادران آنها نسبت به مادر بزرگ‌ها سن ازدواج مهم‌ترین نقش را ایفا مى‌کرد.

واژه‌های کلیدی: پایگاه اقتصادى اجتماعى، تحرك اجتماعى بين نسلى، منزلت شغلى.

مقدمه

از آنجائى که نابرابرى‌های ساختارى جامعه بدون مطالعه تحرك اجتماعى شناخته نخواهد شد، مبحث تحرك از جهات مختلفی مورد توجه حوزه‌های مختلف علوم اجتماعى قرار گرفته است. یکی از مواردی که

m-safiri@yahoo.com

*دانشیار گروه علوم اجتماعى، دانشگاه الزهرا
*کارشناس ارشد مطالعات زنان

امروزه توجه بیشتری را می‌طلبد بحث «تحرک اجتماعی بین نسلی زنان» است. تحرک اجتماعی بین نسلی زنان و دامنه آن میزان نفوذپذیری اقشار اجتماعی و ساخت نابرابر یک جامعه را نشان می‌دهد. از این رو در این مطالعه تلاش شده است تا ضمن بررسی تحرک اجتماعی بین نسلی زنان، عوامل مؤثر بر آن نیز در چند دهه اخیر شناسایی شود.

پرسش‌های آغازین و طرح مسأله

می‌توان گفت تحرک اجتماعی تغییر در فضای اجتماعی است که حرکت روبه بالا (صعودی) افراد یا رو به پایین (نزولی) آنان در یک مرتبه یا سلسله مراتب قشربندی اجتماعی را نشان می‌دهد و دامنه آن برحسب تحرک اقشار مجاور یکدیگر یا اقشار دورتر از یکدیگر متغیر است. تحرک اجتماعی زنان از یک طرف به عنوان قشر عظیمی از جامعه و از سوی دیگر تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی سایر افراد جامعه و همچنین متأثر از عوامل گوناگون از جمله تحرک اجتماعی مردان (همسران و پدران و...) قابل توجه می‌باشد. بنابراین در شرایط کنونی کشورمان که تعلیم و تربیت رسمی در دسترس قشر وسیعی از مردم ایران قرار گرفته است و با توجه به تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه اشتغال زنان و سایر مسائل صورت گرفته است پژوهش حاضر در پی آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- آیا در موقعیت اجتماعی زنان امروز جامعه ما (به طور خاص تهران)، نسبت به نسل قبل‌تر از خودشان تغییری حاصل شده است؟

۲- امروزه در قیاس با نسل‌های پیشین عامل یا عوامل مؤثر بر تحرک اجتماعی زنان کدامند؟

پیشینه پژوهش

مطالعه سوروکین تحت عنوان «تحرک اجتماعی» نخستین متن جامع درباره تحرک اجتماعی شناخته شده است (اریکسون و گلد تورپ ۱۹۸۵) اما از آنجا که بررسی او به تحرک اجتماعی مردان مربوط می‌شود، قضاوت‌های او قابل تأمل است و حداکثر می‌توان گفت بررسی او نخستین مطالعه جامع درباره تحرک اجتماعی مردان است. تا این اواخر به نظر می‌رسید که مطالعات مربوط به تحرک اجتماعی از سوروکین الهام می‌گیرد: مطالعات گلاس (۱۹۵۴) لیپست و بندیکس (۱۹۵۹) بلوو دانکن (۱۹۶۷) فیتزمن و هوسر (۱۹۷۸) و

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۴۳

گلدتورپ (۱۹۸۷) همه بر روى تحرك اجتماعى مردان متمرکز شده است (ملك، در دست چاپ: ۸۱). اثر ديگرى كه پس از سوروكين، يكي از مهمترين تلاش‌ها در بررسى تحرك اجتماعى مى‌تواند محسوب گردد، كار ديويد و گلاس مى‌باشد. پژوهش گلاس در سال ۱۹۴۹ در انگلستان انجام شد و عمدتاً به نتايج و آثار قانون جديد آموزش و پرورش كه از سال ۱۹۴۴ در انگلستان به اجرا گذاشته شده بود، مى‌پرداخت. گروه گلاس نه تنها يك چارچوب مفهومی و يك جهت‌گيرى تكنيكي براى پژوهش‌هاى بعدى فراهم كردند، بلكه شواهد تجربى بسيارى نيز جمع‌آورى كردند كه طى بيست سال پس از آن توسط ساير جامعه‌شناسان مورد استفاده قرار گرفت (پين، ۱۹۸۷، به نقل از خدا بنده لو: ۴۹). هر چند گلاس در سال ۱۹۴۹ داده‌هاىي درباره تحرك اجتماعى زنان گردآورى كرد، اما اين داده‌ها طى سال‌ها تجزيه و تحليل نشده باقى ماند. مطالعه لپيست و بنديكس در اوكلند درصد كوچكى از زنان را به‌عنوان «سرپرست خانوار» دربرمى‌گرفت. اما زنان را از كلييه جداول نهايى حذف كردند. آنان با اين مصلحت‌اندیشى كه: «مقايسه پاىگاه شغلى پدران و دختران به مراتب دشوارتر از مقايسه پاىگاه شغلى پدران و پسران است حذف زنان را توجيه كردند». لپيست و بنديكس مطالعه خود را با توجيه «ساده‌سازى مجاز اوليه» تنها به مردان محدود كردند. با اين وجود پذيرفتند كه دشوار است بتوان فرصت‌هاى تحرك اجتماعى قابل دسترسى براى مردان را از تعداد زنانى كه آماده قبول اين فرصت‌ها هستند و براى اشتغال در سطوح مهارتى مختلف آموزش ديده‌اند، جدا و مستقل در نظر گرفت. يكي ديگر از جامعه‌شناسانى كه در اين حوزه به مطالعه پرداخته گلد تورپ است وى در ويرايش اول و دوم پژوهش خود داده‌هاى مربوط به تحرك زنان را در عرصه اقتصادى اضافه كرد (۱۹۸۷ و ۱۹۸۰ به نقل از ملك، در دست چاپ: ۸۱). در سال‌هاى اخير نيز مطالعه در مورد تحرك اجتماعى همچنان رواج دارد كه البته هنوز هم توجه بيشتري به تحرك اجتماعى مردان است و زنان به ندرت در مركز توجه قرار مى‌گيرند.

مبانی نظری

وجود تفاوت بين انسان‌ها در زندگى اجتماعى، سابقه ديرينه‌اى دارد و قدمتش تقريباً به قدمت انسان‌ها مى‌رسد اما نوع و درجه اين تفاوت‌ها و نابرابرى‌ها يکسان نبوده است. در روزگارى مردم و اندیشمندان، اين تفاوت‌ها را امرى طبيعى و قابل قبول تصور کرده و حتى گاهى آن را مشيت الهى مى‌دانستند و روزگار ديگرى مردم با كسب آگاهى طبقاتى، اين تفاوت‌ها را غيرطبيعى و غيرقابل قبول فرض کرده و عليه آن

شوریده‌اند. متفکران اجتماعی نیز از دیرباز به این تفاوت‌ها اندیشیده‌اند و درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. در این مطالعه رویکردهای نظری تضاد و فمینیستی جهت تحلیل تحرک بین نسلی استفاده می‌شود.

مکتب تضاد با تأکید بر دیدگاه مارکس

تضادگرایان که در رأس آنان مارکس قرار دارد معتقدند که در جامعه تضاد بین حاکمان و محکومان و در خانواده تضاد بین زن و مرد و... وجود دارد و دیدگاه ایشان مادی‌گرایانه است. این نظریه‌پردازان معتقدند که پاداش‌ها باید در بین اعضای جامعه برابری توزیع شوند زیرا، نابرابری به کارکرد ذاتی جامعه ارتباطی ندارد، بلکه استثمار نداران به دست دارایان است (کوئن؛ ۱۳۷۷: ۱۸۵).

آنچه در دیدگاه مارکس حائز اهمیت است، استثمار طبقاتی است که در رابطه تولید و شیوه‌های تولید شکل می‌گیرد. در نظریه مارکس چند مفهوم کلیدی وجود دارد: زیربنا، روبنا، تضاد طبقاتی و... که برای فهم بهتر نظریه مارکس در ذیل به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

زیربنا و روبنا: مارکس بدون اینکه نقش عواملی چون قدرت یا شیوه زندگی را نفی کند، واقعیت اساسی جامعه را مالکیت می‌داند و آنرا زیربنا می‌نامد. بر روی این زیربنا، نهادهای اجتماعی فرهنگی قرار دارد که آنها را روبنا می‌نامد، از آن جمله، قدرت، شیوه‌های فرهنگی، صورتهای زندگی خانوادگی، فرآیندهای آموزش و پرورش و... که همه این عوامل می‌تواند نابرابری‌های اولیه ناشی از تفاوت در مالکیت را تشدید کند.

تضاد طبقاتی: این مفهوم شامل دو بعد است:

۱- مبارزه ناآگاهانه میان پرولتاریا و سرمایه‌داران برای برخورداری از کالاهای اقتصادی پیش از نائل شدن به آگاهی طبقاتی.

۲- مبارزه آگاهانه و هماهنگی که دو طبقه را در برابر هم قرار می‌دهد و پرولتاریا با آگاهی یافتن به نقش تاریخی‌اش برای بهبود وضعیت زندگی و در بلند مدت برای دراختیار گرفتن وسایل تولید مبادرت به عمل جمعی می‌کند (تامین؛ ۱۳۷۳: ۹-۸).

به نظر مارکس نزاع طبقاتی به جای توازن و تعادل طبیعی یا اجتماعی شرط اجتناب‌ناپذیر و حکم قطعی و بهنجار در جامعه سرمایه‌داری است. تناقض و تضاد در جامعه سرمایه‌داری در ماهیت و طبیعت این نظام است. خواه طبقات اجتماعی متمایل به آن آگاه باشند یا نباشند. یک تضاد اجتناب‌ناپذیر میان آنان وجود دارد. مارکس از تضاد به‌عنوان یک اصل مسلم حیات اجتماعی در دوره‌های تاریخی معین سخن می‌گوید.

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۴۵

هرچند مارکس مستقیماً به مسأله تحرك اجتماعى نپرداخته است اما با توجه خاصى که به مسأله نابرابرى در جامعه مى‌کند و با ارتباط میان نابرابرى اجتماعى و تحرك اجتماعى موضع او درباره تحرك اجتماعى مشخص مى‌شود. به عبارت ديگر مى‌توان گفت از نظر مارکس اگر افراد بتوانند به عوامل اقتصادى مانند ثروت، مالکیت و دارايى دسترسى يابند در لابه‌لاى سلسله مراتب اجتماعى جامعه حرکت کنند. بنابراین عامل اصلى تحرك اجتماعى از دیدگاه مارکس دسترسى بیشتر به مزایای اقتصادى است.

دیدگاه فمینیستی^۱

فمینیست‌ها دیدگاه‌هاى مختلفی دارند که بعضاً کاملاً با هم متفاوت مى‌باشند، اما در بعضى موارد نیز با هم اتفاق نظر دارند. تمام نظریه‌هاى ستمگرى جنسى موقعیت زنان را پیامد رابطه قدرت مستقیم میان زنان و مردان مى‌انگارند. رابطه‌اى که طى آن، مردان که منافعى عینى و بنیادى در نظارت، سوء استفاده، انقیاد و سرکوبى زنان دارند، از طریق اعمال ستم جنسى بر زنان، این منافع را برآورده مى‌سازند. این الگوی ستمگرى به عمیق‌ترین و فراگیرترین اشکال در سازمان جامعه عجين شده و یک ساختار تسلط بنیادى تشکیل داده است. پدرسالارى یک پدیده زیست شناختى نیست بلکه یک ساختار قدرت است که با یک نسبت عمومى و قوی ابقاء مى‌شود (ریترز؛ ۱۳۷۴: ۴۷۳).

همانطور که گفته شد دیدگاه‌هاى مختلف فمینیست‌ها در برخى نکات با هم اتفاق نظر دارند، اما با مطالعه نظرات مختلف فمینیستی درمى‌یابیم که در بین آنها فمینیست‌هاى لیبرال از همه معتدل‌تر مى‌باشند. اینها که به فمینیسم برابر طلب نیز معروف هستند در میان نظریه‌هاى معاصر در اقلیت قرار گرفته‌اند. بر مبنای این طرز فکر، زن موجودى انسانی است و همان حقوق طبیعى و سلب نشدنى مردان را دارد. جنس زن به حقوق او ربطى ندارد. در قوای عقلی زنان نقصى نیست و بنابراین حق دارند از حقوق کامل انسانی برخوردار باشند (آبوت و والاس؛ ۱۳۸۱: ۲۸۷).

در جمع بندى مباحث مطرح شده مى‌توان گفت: به طور کلی از دیدگاه تضادگرایان، نابرابرى اجتماعى در ابعاد قدرت، ثروت و منزلت جلوه بارز ساخت اجتماعى است در این چشم انداز ستیزه عنصر ذاتى، طبیعى و قابل پیش‌بینى سازمان اجتماعى است. تضادگرایان نیروى زور و اجبار را عامل اصلى حفظ و نگهدارى جامعه مى‌دانند و معتقدند که جامعه به طبقات کاملاً جدا با شیوه زندگى متفاوت و منافع مخالف هم تقسیم

^۱ Femenist View

شده است. این طبقات اگر چه درون خود فصل مشترک‌های بسیار دارند اما با اعضای طبقات دیگر فصل مشترک‌های کمی دارند.

به نظر تضادگرایان، اکثر جوامع از دو طبقه صاحب و کنترل کننده ابزار تولید و توزیع و طبقه تأمین کننده نیروی کار تشکیل شده‌اند. بنابراین از نظر این دیدگاه، منبع اصلی نابرابری در زندگی انسان تفاوت‌های اقتصادی یا به عبارت بهتر تملک و کنترل وسایل تولید است. تضادگرایان متأخرتر اگر چه عوامل دیگری را نیز در تشدید نابرابری مؤثر می‌دانند اما به پیروی از مارکس برای عوامل اقتصادی نقش محوری قائل شده، سرچشمه‌های نابرابری را در نظام اقتصادی جستجو می‌کنند (در این زمینه دارندورف شیوه‌های توزیع اقتدار را منشأ نابرابری می‌داند، اگر چه دارایی و مالکیت را نیز یکی از این شیوه‌ها محسوب می‌کند). بنابراین مالکیت و کنترل وسایل تولید در این دیدگاه، پارامتر اصلی برای تعیین موقعیت اجتماعی افراد است و مهمترین تفاوت‌ها بین آن عده ایست که مالک و کنترل کننده دارایی‌اند و آن عده که مالک و کنترل کننده دارایی نیستند. مارکسیست‌های ساختاری معتقدند که آنچه در جامعه می‌گذرد در خانواده هم جریان می‌یابد یعنی نابرابری اجتماعی. بنابراین اگر مرد برتر شناخته می‌شود بدین دلیل است که آنچه را تولید قدرت می‌کند در دست دارد.

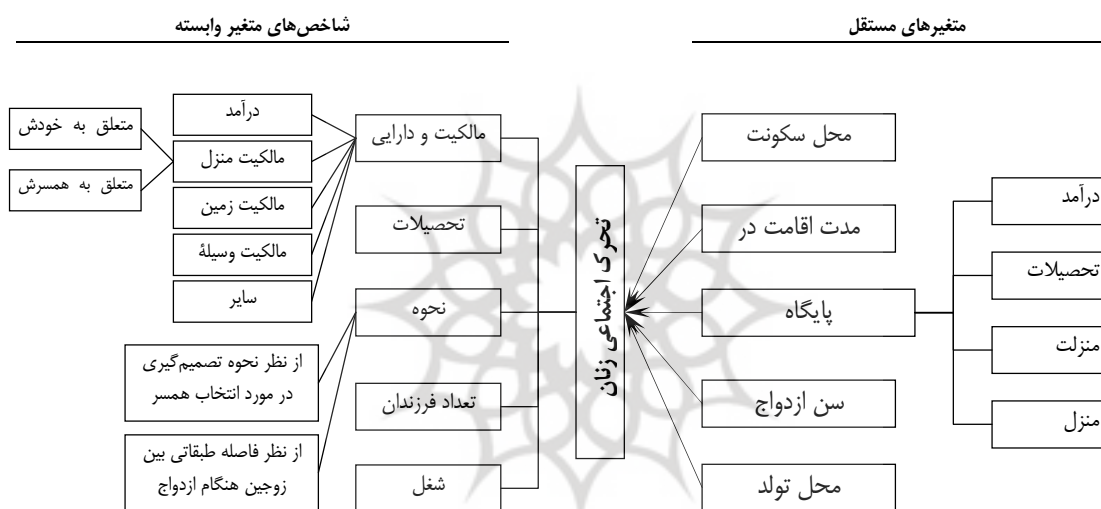
ازسویی در نظریات فمینیستی که در این تحقیق معتدل‌ترین آنان یعنی لیبرال فمینیست‌ها مدنظر ما می‌باشند نابرابری در مورد زنان ساختاری بوده و در جهت اصلاح ساختاری آن باید عمل کرد. هر دو گروه از این نظریه پردازان در یک نقطه با هم اشتراک دارند چرا که همانطور که تضادگرایان در رؤیای حذف نابرابری بوده فمینیست‌ها نیز به گونه‌ای خواهان حذف نابرابری هستند.

یکی از پرسش‌هایی که این اواخر اذهان پژوهشگران تحرک اجتماعی را به خود مشغول داشته است، این است که تا چه حدی می‌توان نظریه‌های موجود در خصوص تحرک اجتماعی را در مورد کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما ایران قابل قبول دانست؟

بنابراین با توجه به دو دیدگاه فوق اگر زنان این ابزار ثروت و احترام را بدست آورند دارای قدرت می‌شوند. به عبارت دقیق‌تر در این "تحرک اجتماعی صعودی" نسبت به نسل قبل خود خواهند داشت. حال می‌خواهیم بدانیم آیا در کشور ما که میزان تحصیلات و اشتغال زنان افزایش یافته، به تبع آن باید انتظار داشت که درآمد و مالکیت زنان نیز نسبت به گذشته از افزایش برخوردار باشد. در این پژوهش شاخص‌های

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۴۷

متغير وابسته از جمله دارايى و مالكيته از نظريه تضاد و تحصيلات، شغل، تعداد فرزند و نحوه همسر گزىنى از نظريه فمينيستى گرفته شده است. براى بررسى اين موضوع مدل تحليلى ذيل ارائه شده است.



نمودار ۱- مدل پژوهش

فرضيه كلى:

۱- به نظر مى رسد كه زنان امروز نسبت به نسل قبل تحرك اجتماعى صعودى دارند.

فرضيات جزئى:

- ۱-۲- تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با پايگاه اقتصادى اجتماعى (طبقه) والدين آنها رابطه دارد.
- ۲-۲- تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با سواد و تحصيلات والدين آنها رابطه دارد.
- ۳-۲- تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با ميزان درآمد والدين آنها رابطه دارد.
- ۴-۲- تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با منزلت شغلى والدين آنها رابطه دارد.
- ۵-۲- تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با سن ازدواج آنها رابطه دارد.
- ۶-۲- به نظر مى رسد تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با مدت اقامت آنها در تهران رابطه دارد.

۷-۲- به نظر می‌رسد تحرک اجتماعی بین نسلی زنان با منطقه محل سکونت آنان رابطه دارد.

۸-۲- به نظر می‌رسد تحرک اجتماعی بین نسلی زنان با محل تولد آنان رابطه دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل زنان شهر تهران در زمان جمع‌آوری اطلاعات بود (۱۳۸۵). البته جهت تحقیق در مورد تحرک اجتماعی بین نسلی زنان را به سه گروه سنی زنان ۲۰ تا ۳۰ سال، مادران ۴۰ تا ۵۰ سال و مادران بالای ۶۰ سال تقسیم شد. با توجه به اینکه جامعه آماری مدنظر یک جامعه گسترده بود روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شد. بدین صورت که ابتدا به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای تمام نقاط تهران به سه قسمت تقسیم شد که در درون هر قسمت یک منطقه به‌طور تصادفی انتخاب شد. در هر منطقه بلوک‌های خاص به شیوه سیستماتیک انتخاب شدند و در درون هر بلوک به روش تصادفی خانوارهایی انتخاب شدند. حجم نمونه حدود ۲۰۰ نفر با توجه به آمار زنان در سن ۴۰ تا ۵۰ ساله که دارای دختر ۲۰ تا ۳۰ ساله باشند از مرکز آمار ایران اتخاذ شده بود تعیین گردید. در زمان مراجعه زنانی که در سن ۴۰ تا ۵۰ ساله بوده و دختری متاهل در سن ۲۰ تا ۳۰ سال داشتند مورد سوال قرار می‌گرفتند. همچنین پس از تعریف هر یک از متغیرهای موردنظر، تعدادی گویه انتخاب شد و سپس با پیش‌آزمون، روایی گویه‌ها برای سنجش متغیر مورد نظر سنجیده شد و در صورت روایی پایین، برخی از گویه‌های نامربوط حذف شدند. متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از: منطقه مسکونی، مدت اقامت در تهران، پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین، سن ازدواج، محل تولد و شاخص‌های متغیر وابسته (تحرک اجتماعی) بین نسلی عبارتند از: مالکیت و دارایی، تحصیلات، نحوه همسرگزینی، تعداد فرزندان، شغل.

تعریف عملیاتی متغیرها و نحوه سنجش آنها

تحرک اجتماعی (میان نسلی): دایره‌المعارف اجتماعی تحرک اجتماعی را امکان حرکت انسان‌ها در لابلای سلسله مراتب طبقاتی یک جامعه تعریف می‌کند و تحرک میان نسلی «نوعی تحرک اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد» (کوئن؛ ۱۳۷۴: ۲۶۲).

نحوه عملیاتی کردن متغیر تحرک اجتماعی بدین صورت است که، نمره تحرک اجتماعی هر نسل با شاخص‌های تحصیلات، شغل، تعداد فرزندان، میزان مالکیت و دارایی، تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۴۹

و فاصله طبقاتى با همسر در هنگام ازدواج سنجيده و بعد از قراردادن همه آنها در مقياس ترتيبى و تعيين نمره تحرك اجتماعى بين نسلى، از تفاوتى كه بين نمرات شاخصهاى تحرك اجتماعى بين دو نسل بدست آمد مشخص شد كه کدام نسل نسبت به نسل قبل خود تحرك داشته و اين تحرك به چه ميزان بوده است. نحوه همسرگزىنى: شيوه انتخاب همسر است. به معناى ميزان آزادانه بودن آن.

شغل: براى تعريف شغل اول بايد كار را معنى كرد. كار در معناى معمول آن، هر نوع اشتغالى است كه پاداش مالى بر آن مترتب باشد (بيرو، ۱۳۸۰، ۱۱۵). كار(شغل): فعاليتى است كه براى كسب درآمد دستمزد صورت مى گيرد.

تعريف عملياتى: شغل يا پيشه مجموع كارهاى است محدود، مشخص و مستمر كه در مقابل مزد يا حقوق منظمى انجام مى گيرد كه با آن وسايل معاش و گذران زندگى فراهم مى شود. به همين دليل به پايگاه اجتماعى و قشربندى اجتماعى مربوط است با اين تعريف تخصصهاى كاركردى مانند همسر، ريش سفيد قبيله بودن و فعاليتهاى بدون درآمد و سود مانند خانه دارى، سربازى و غيره در تعريف شغل نمى گنجد. محل زندگى: مكاني كه فرد حداقل ۱۰ سال در آنجا زندگى كند محل زندگى وي ناميده مى شود.

پايگاه اقتصادى- اجتماعى والدين: منزلت يا طبقه اى كه والدين فرد از لحاظ دارايى يا عدم دارايى ثروتهاى مادى و دارائىهاى فرهنگى و اجتماعى در مقايسه با ساير پايگاهها و طبقات كسب مى نمايد (خالقى فر ۱۳۸۱: ۱۸۶).

پايگاه اجتماعى: نشان دهنده اعتبار، ارزش، موقعيت و اعتبار اجتماعى فرد است و با نقش اجتماعى هم رابطه منتظمى دارد (محسنى ۱۳۷۴: ۲۶۷).

تعريف عملياتى پايگاه: منزلت اجتماعى به علاوه ثروت و دارائىهاى والدين فرد مانند ميزان تحصيلات، نوع شغل و ميزان درآمد و دارائىهاى مالى والدين كه آنها را در پايگاهى متمايز از ديگران قرار مى دهد. مالكيت و دارايى: هر چيز با ارزشى كه در مالكيت فرد يا خانواده باشد. مانند وجوه نقد، املاك و... (نخعى ۱۳۸۲: ۹).

تعريف عملياتى مالكيت و دارايى: بر اساس درآمد و مالكيت وسايلى كه هر فرد شخصاً در اختيار دارد تعريف مى شود.

محل تولد: اينكه اين محل تولد جزو کداميك از مناطق(متعلق به طبقات بالا، پايين يا متوسط شهر) باشد سنجيده مى شود و اينكه محل تولد شهر يا روستا باشد.

۱۵۰ پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵

منزلت شغلی: درجه بندی منزلت مشاغل بر اساس مقیاسی است که بر حسب عوامل عینی درآمد، مهارت، امنیت و... و عوامل ذهنی رتبه بندی ارج و قدر مشاغل بر حسب دید و نظر مردمی که با مشاغل مختلف سر و کار دارند به دست می آید (مقدس؛ ۱۳۷۴: ص ۶۹).

یافته های پژوهش

مقایسه همسرگزینی در سه نسل

جدول ۱- فراوانی نحوه همسرگزینی سه نسل زنان

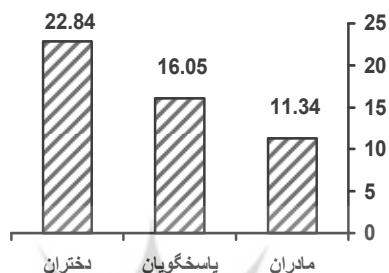
نحوه همسرگزینی	مادران		پاسخگویان		دختران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خود فرد	۱۳	۶.۵	۴۰	۲۰	۸۲	۴۱
خود و والدین	۱۴	۷	۳۸	۱۹	۷۲	۳۶
والدین	۹۳	۴۶.۵	۷۳	۳۶.۵	۲۰	۱۰
پدر	۶۶	۳۳	۲۷	۱۳.۵	۱۰	۵
مادر	۷	۳.۵	۱۶	۸	۱۳	۶.۵
سایرین	۷	۳.۵	۶	۳	۳	۱.۵
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۱ توزیع فراوانی نحوه همسرگزینی زنان نمونه آماری در سه نسل مادران، پاسخگویان و دختران را نشان می دهد. می توان گفت که نسل جدید از نظر تصمیم گیری در مورد انتخاب همسر نسبت به مادرانشان آزادی عمل بیشتری دارند. این مقیاس بعداً بر حسب میزان آزادی فرد کدگذاری شده است.

میانگین نمرات شاخص های تحرک اجتماعی بین سه نسل

نمودار ۲ میانگین میزان تحرک اجتماعی زنان جمعیت نمونه در سه نسل مادران، پاسخگویان و دختران را نشان می دهد. بیشترین تحرک اجتماعی مربوط به نسل دختران است که با متوسط ۲۲/۸۴ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر بیشترین تغییرات (انحراف استاندارد) در تحرکات اجتماعی نیز مربوط به نسل دختران است که برابر با ۱۲/۶ است.

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۵۱



نمودار ۲- میانگین نمرات شاخص‌های تحرك اجتماعى سه نسل دختران، پاسخگويان و مادران

نکته ديگر که می‌توان به آن اشاره کرد این است که پیشرفت تحرك اجتماعى نسل دختران نسبت به پاسخگويان (مادرانشان) بیشتر از پیشرفت تحرك اجتماعى نسل پاسخگويان نسبت به مادرانشان است.

تفاوت صعودى و نزولى تحرك اجتماعى بين نسل‌ها

جدول ۲- مقایسه میزان تحرك اجتماعى دختران نسبت به مادران و پاسخگويان نسبت به مادر بزرگ‌ها

تحرك	درصد تحرك صعودى	درصد تحرك نزولى	درصد عدم تحرك
دختران	۸۷/۵٪	۹/۵٪	۳٪
مادران (پاسخگويان)	۷۷/۵٪	۱۲٪	۱۰/۵٪

در جدول ۲ مقایسه دختران و پاسخگويان در میزان تحرك صعودى و نزولى صورت گرفته است. ۱۲ درصد از پاسخگويان نسبت به مادرانشان از تحرك اجتماعى منفى برخوردار بوده‌اند و سیر نزولى داشته‌اند. در حالیکه ۷۷/۵ درصد از پاسخگويان نسبت به مادرانشان از تحرك اجتماعى مثبت برخوردار بوده و سیر صعودى داشته‌اند. همچنین ۱۰/۵ درصد از پاسخگويان دارای تحرك خنثى بوده و نسبت به مادرانشان دارای تحرك اجتماعى نبوده‌اند که این امر بیانگر این است که نمره تحرك اجتماعى آنها با نمره تحرك اجتماعى مادرشان برابر بود.

همچنین ملاحظه می‌شود ۹/۵ درصد از دختران نسبت به نسل مادرانشان (پاسخگويان) از تحرك اجتماعى منفى برخوردار بوده‌اند و سیر نزولى داشته‌اند، به عبارت ديگر نمره‌ای که از مجموع شاخص‌های تحرك اجتماعى کسب کرده‌اند کمتر از نمره‌های تحرك اجتماعى مادرشان می‌باشد در حالیکه ۸۷/۵ درصد از دختران نسبت به مادرانشان از تحرك اجتماعى مثبت برخوردار بوده و سیر صعودى داشته‌اند. چرا که نمره تحرك اجتماعى آنها نسبت به مادرشان بیشتر می‌باشد، همچنین ۳ درصد از دختران دارای تحرك خنثى

۱۵۲ پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵

بوده و نسبت به مادرانشان دارای تحرک اجتماعی نبوده‌اند. در بررسی عوامل موثر بر تحرک اجتماعی جدول ۳ بیانگر ضرایب همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد. همچنین آزمون رگرسیون چندگانه نشان می دهد که ۳۵٪ از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل تبیین شده است.

جدول ۳ - همبستگی تحرک اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین پاسخگویان و دختران

مقیاسها	تحرک اجتماعی پاسخگویان	تحرک اجتماعی دختران
۱ تحصیلات مادر	۰/۴۴	۰/۴۴
۲ سن ازدواج	۰/۵۰	۰/۵۴
۳ میزان درآمد والدین	۰/۳۰	۰/۶۷
۴ منزلت شغلی والدین	۰/۳۰	۰/۳۳
۵ مدت اقامت در تهران	۰/۲۱	۰/۱۴
۶ منطقه مسکونی	۰/۲۷	۰/۲۹
۷ محل تولد	۰/۱۳	۰/۲۸

جدول ۴ - تحلیل رگرسیون چند متغیره تحرک اجتماعی پاسخگو و متغیرهای مستقل ($R^2 = 0/616$)

سطح معنی داری (Sig)	مقدار t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		متغیرها	مدل رگرسیون
		Beta	Std. error	B		
۰/۱۴۸	-۱/۴۵		۱/۸۳	-۲/۶۶	ثابت (Constant)	مدل همبستگی چند متغیره
۰/۰۸	۱/۷۶	۰/۱۰۴	۰/۰۲۳	۰/۰۴	مدت زندگی در تهران	
۰/۰۰۰	۷/۷۴	۰/۴۵۷	۰/۰۸۵	۰/۶۶	سن ازدواج	
۰/۰۷۷	۱/۷۸	۰/۱۰۷	۰/۳۳۵	۰/۵۹	محل تولد	
۰/۰۰۲	۳/۰۹	۰/۱۸۶	۰/۲۳۸	۰/۷۳	درآمد والدین	
۰/۰۱۰	۲/۵۹	۰/۱۵۵	۰/۱۹۷	۰/۵۱۲	منزلت شغلی والدین	

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۵۳

جدول ۵ - تحليل رگرسيون چند متغيره تحرك اجتماعى دختران و متغيرهاى مستقل

سطح معنى دارى (Sig)	مقدار t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		متغيرها	مدل رگرسيون
		Beta	Std. Error	B		
۰/۲۸۶	۱/۰۷		۱/۶۷	۱/۷۸	ثابت (Constant)	چندگانه همزمان
۰/۲۹۲	۱/۰۵۷	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۳۲	مدت زندگى در تهران	
۰/۰۰۰	۷/۴۱	۰/۳۵	۰/۰۶۶	۰/۴۹	سن ازدواج	
۰/۰۰۴	۲/۹۳	۰/۱۴۱	۰/۴۶۶	۱/۳۶۸	محل تولد	
۰/۰۰۰	۱۱/۱۲	۰/۵۳۸	۰/۱۲۴	۱/۳۷	درآمد والدين	
۰/۱۵۴	۱/۴۳	۰/۰۶۸	۰/۱۲۹	۰/۱۸۵	منزلت شغلى والدين	

تحليل يافته‌ها و نتيجه‌گيرى

از ويژگى‌هاى تحرك اجتماعى در جامعه مورد بررسى، آن است كه ميزان عدم تحرك اجتماعى بين نسلى در بين دختران آنقدر كم است كه به طور كلى مى‌توان از آن چشم‌پوشى نمود. در حالى كه با نگاهى به نتايج پژوهش متوجه مى‌شويم كه در نسل مادران نسبت به مادر بزرگ‌ها چنين نبوده يعنى گروهى از پاسخگويان (۵/۱۰٪) نسبت به مادران خودشان داراى عدم تحرك بين نسلى مى‌باشند و عده‌اى هم نسبت به پايگاه مادران تحرك نزولى داشته‌اند (۱۲٪).

عمده‌ترين نتايج تجربى و فرضيه‌هاى تحقيق را به شرح زير مى‌توان بر شمرد:

رابطه تحرك اجتماعى بين نسلى زنان با عوامل مؤثر بر اين تحرك نشان مى‌داد كه بين تحرك اجتماعى زنان با پايگاه اقتصادى اجتماعى والدين آنها رابطه وجود دارد يعنى هرچه درآمد، تحصيلات و منزلت شغلى والدين بالاتر باشد ميزان تحرك صعودى دختران آنها بيشتر مى‌شود.

بررسى رابطه مدت اقامت در تهران با تحرك اجتماعى بين نسلى زنان نشان مى‌دهد كه هم در نسل

دختران و هم در نسل پاسخگویان هرچه مدت زندگی در تهران بیشتر بوده میزان تحرک اجتماعی افراد نیز بیشتر می‌باشد. رابطه تحرک اجتماعی زنان با منطقه محل سکونت آنها در تهران نیز هم در بین نسل دختران و هم در بین نسل پاسخگویان معنادار می‌باشد.

بررسی رابطه تحرک اجتماعی زنان با محل تولد آنان بین دختران نشان داد که زنانی که محل تولد آنها در تهران است از تحرک اجتماعی بیشتری نسبت به زنانی که محل تولدشان در شهرستان و یا روستاهاست برخوردارند و همچنین زنانی که محل تولد آنها در شهرستان است از تحرک اجتماعی بیشتری نسبت به زنانی که محل تولدشان در روستاهاست برخوردارند. اما در بین نسل پاسخگو بین تحرک اجتماعی زنان و محل تولد آنها رابطه معنادار وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به تحرک اجتماعی بین نسلی زنان نشان می‌دهد که در نسل پاسخگویان ابتدا سن ازدواج سپس تحصیلات مادر و بعد از آن درآمد والدین و در دختران ابتدا درآمد والدین سپس سن ازدواج و بعد تحصیلات مادر تاثیر بیشتری بر تحرک اجتماعی دارند. هر چند در دو نسل تفاوت‌هایی وجود دارد ولی آنچه اهمیت دارد مشترک بودن این سه عامل در هر دو نسل در ایجاد و افزایش تحرک اجتماعی زنان می‌باشد.

در نسل جدید همبستگی میزان درآمد والدین (۰/۶۷)، سن ازدواج (۰/۵۴) و تحصیلات مادر (۰/۴۴) است که نسبتاً نزدیک به هم می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود در میان تمام عوامل مؤثر بر تحرک اجتماعی بین نسلی زنان بیشترین همبستگی مربوط به میزان درآمد والدین (۰/۶۷) و تحرک اجتماعی بین نسلی دختران می‌باشد و بعد از آن همبستگی سن ازدواج (۰/۵۴) و تحصیلات مادر (۰/۴۴) می‌باشد، در حالیکه در گروه پاسخگویان بالاترین ضریب همبستگی میان تحرک اجتماعی و سن ازدواج (۰/۵۰) و تحصیلات مادر (۰/۴۴) برقرار است.

در میان ضرایب همبستگی محاسبه شده بین تحرک اجتماعی از یک سو و عوامل مؤثر بر تحرک (مانند تحصیلات والدین، میزان درآمد والدین، منزلت شغلی والدین، نحوه مالکیت منزل مسکونی، سن ازدواج، مدت اقامت در تهران، منطقه مسکونی و محل تولد) بیشترین ضریب برابر ۰/۶۷ بوده که متعلق به ضریب همبستگی تحرک اجتماعی دختران با میزان درآمد والدین بوده است و بعد از آن همبستگی سن ازدواج ضریب نسبتاً بالای ۰/۵۴ را به خود اختصاص می‌دهد. اما در میان پاسخگویان بیشترین ضریب همبستگی با

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۵۵

سن ازدواج مى‌باشد كه برابر با ۰/۵۰ مى‌باشد. به‌طور كلى در بين دو نسل دختران و پاسخگويان مى‌توان گفت كه همبستگى نسبتاً قوى بين سن ازدواج از يك سو و تحرك اجتماعى از سوى ديگر وجود دارد. براى مشخص شدن ميزان تأثير هر يك از عوامل مؤثر بر تحرك اجتماعى بين نسلى زنان اين عوامل را در معادلات رگرسيونى قرار داديم. معادله رگرسيونى بيانگر آن بود كه سن ازدواج پاسخگويان مهمترين نقش را در ميان ساير متغيرهاى مستقل به خود اختصاص داده است و پس از سن ازدواج، متغيرهاى درآمد و منزلت شغلى والدين نقش مهمى در تحرك اجتماعى زنان پاسخگو دارد.

اما در گروه دختران، درآمد والدين مهمترين نقش را در ميان ساير متغيرهاى مستقل به خود اختصاص داده است و پس از آن متغيرهاى سن ازدواج و محل تولد نيز نقش مهمى در تحرك اجتماعى دختران دارد. اين نکته بيانگر اين است كه در نسل جديد تأثير درآمد والدين بر تحرك اجتماعى دختران مهمترين نقش را دارد در حاليكه در نسل مادران آنها (پاسخگويان) تأثير سن ازدواج بيشتر از تأثير درآمد والدين است. هر چند در هر دو نسل درآمد والدين داراى اهميتند اما در نسل جديد تأثير درآمد والدين محسوس تر است.

با مرورى مجدد به يافته‌هاى پژوهش ملاحظه مى‌شود كه در اكثر زمينه‌ها دختران نسبت به مادرانشان تغييراتى محسوس داشته‌اند يعنى با توجه به اينكه متغيرهاى سطح تحصيلات، ميانگين امكانات زنان، ميزان درآمد، هزينه ماهانه و سن ازدواج در نسل جديد نسبت به نسل قبل افزايش يافته و متغير تعداد فرزندان در نسل جديد کاهش يافته است؛ بنا بر اين زنان نسبت به نسل قبل تر از خودشان از تحرك اجتماعى صعودى برخوردار بوده‌اند.

توزيع مشاغل در هر سه نسل نشان داد كه هنوز هم خانه‌دارى مهمترين شغل مى‌باشد و مشاغلى با رتبه متوسط نسل جديد (دختران) درصد بيشترى را نسبت به دو نسل قبل به خود اختصاص داده‌اند (۱۸/۵٪) اما جالب توجه است كه در مورد مشاغل داراى رتبه بالا آمار اشتغال دختران (۱۱/۵٪) با مادرانشان برابر مى‌باشد. در حاليكه انتظار مى‌رفت اين درصد در مورد دختران افزايش يابد.

يافته‌هاى اين پژوهش نشان داد كه عامل سن ازدواج با توجه به اين كه با بالا رفتن آن فرصتى را براى تحصيلات بالا و امكان اشتغال و دسترسى به درآمد و مالكيت براى زنان ايجاد مى‌نمايد و با افزايش درآمد و منزلت شغلى والدين امكانات بيشترى براى زنان ايجاد مى‌شود، مى‌تواند تحرك اجتماعى صعودى بيشترى ايجاد نمايد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند در نسل اخیر زنان نسبت به مادرانشان تحرک اجتماعی صورت گرفته ولی این تحرک در رده‌های اجتماعی نزدیک به هم بوده و دختران فاصله بسیار کمی را پیموده‌اند و فقط تعداد بسیار اندکی هستند که تحرک به معنای جهش از یک نسل به نسل دیگر را تجربه کرده‌اند.

پیشنهادها

- ۱- در ایران به دلیل وابستگی موقعیت اقتصادی زنان به موقعیت همسر و پدر، سنجش تحرک اجتماعی زنان کار دشوار و پیچیده‌ای است. لازم است تا تعاریف جدیدتری از تحرک اجتماعی که متناسب با جامعه ما باشد ارائه شود.
- ۲- با توجه به اینکه آگاهی از تحرک اجتماعی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های بهتر جامعه مؤثر باشد برای انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه بایستی سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد.
- ۳- از آنجایی که پژوهش در زمینه تحرک اجتماعی مستلزم گرفتن برخی اطلاعات آماری می‌باشد، بایستی تمهیداتی فراهم شود تا پژوهشگران جهت دریافت اطلاعات آماری با مشکل نام‌نگاری‌های اداری و هزینه‌های پیشنهادی مرکز آمار ایران مواجه نشوند.
- ۴- به کلیه پژوهشگرانی که قصد دارند در یکی از زمینه‌های پژوهش حاضر تحقیق کنند پیشنهاد می‌شود نمونه‌هایشان با پرسش از هر سه نسل همراه باشد تا نتایج بهتر بررسی شود. در این پژوهش به دلیل محدودیت زمانی، اقتصادی و... اطلاعات لازم فقط با پرسش از یک نسل جمع‌آوری شد.

منابع

آزاد ارمکی، تقی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۱) "تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایرانی" پژوهش زنان،

دوره ۱، شماره ۳، ۲۴-۷

آبوت، پاملا، و کلر والاس (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی زنان*، منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی. چاپ دوم.

بیرو، آلن (۱۳۷۰) *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا

تامین، ملوین (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.

تحرك اجتماعى بين نسلى زنان در تهران ۱۵۷

خالقى فر، مجيد (۱۳۸۱) بررسى ارزش هاى مادى و فرامادى دانشجويان دانشگاه هاى تهران، پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه شهيد بهشتى.

خداينده لو، سعيد (۱۳۷۲) تحرك اجتماعى بين نسلى مطالعه موردى در شهر كرمانشاه، پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه تربيت مدرس.

ريتزر، جرج (۱۳۷۳) نظريه جامعه شناسى، احمد غروى زاد، تهران: نشر ماجد، چاپ اول.

ريتزر، جرج (۱۳۷۴) نظريه جامعه شناسى در دوران معاصر، محسن ثلاثى، تهران: انتشارات علمى، چاپ دوم.

ساروخانى، باقر (۱۳۸۰) درآمدى بر دايره المعارف علوم اجتماعى، تهران: انتشارات كيهان، چاپ سوم.

ساروخانى، باقر (۱۳۸۰) روش تحقيق در علوم اجتماعى، تهران: پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگى، چاپ پنجم.

شكرى، سيما (۱۳۸۲) نگرش زنان شاغل نسبت به ارتقاى شغلى و بررسى موانع ارتقائشان در ادارات دولتى شهر قزوین پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه آزاد اسلامى، واحد علوم و تحقيقات.

كاظمى پور، شهلا (۱۳۷۴) تحرك اجتماعى و مهاجرت در شهر تهران، پايان نامه دكترا، دانشگاه تهران.

كوتنى، بروس (۱۳۷۷) درآمدى به جامعه شناسى، محسن ثلاثى، تهران: نشر توتيا، چاپ چهارم.

گرب، ادوارد ج (۱۳۸۱) نابرابرى اجتماعى، محمد سياهيوش و احمد رضا غروى زاد، تهران: نشر معاصر، چاپ دوم.

گيدنز، آنتونى (۱۳۸۱) جامعه شناسى، منوچهر صبورى، تهران: نشر نى، چاپ پنجم.

عبدالهيان، حميد (۱۳۸۳) " نسل ها و نگرش هاى جنسى: سنجش آگاهى از تعارض در نگرش هاى جنسى " پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، ۸۴-۵۷.

عبد الهيان، حميد (۱۳۸۱) " عقلانيت و استدلال : گفتگو ميان نسلها و زنان و مردان " پژوهش زنان ، دوره ۱ شماره ۳، ۱۹۵-۱۸۳.

محسنى، منوچهر (۱۳۶۶) مقدمات جامعه شناسى، تهران: انتشارات باستان.

مقدس، على اصغر (۱۳۷۴) ساختار شغلى و تحرك اجتماعى در استان هاى فارس، كهكيلويه و بويراحمد، پايان نامه دكترا، دانشگاه تربيت مدرس.

ملك، حسن (زير چاپ) مفاهيم و نظريه ها در زمينه تحرك اجتماعى، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگى.

نخعى ، منيژه و رضا نجار زاده (۱۳۸۲) واژه هاى كليدى اقتصاد خرد و كلان، تهران: نشر بازرگان.

Aage, B. Sorensen (1992), "On the Asefulness of Class Analysis in Research on social Mobility and Socioeconomic Inequality". Acta Sociologica (1991) 34: 11-87.

Breen, Richard (2001), "Social, mobility and Constitutional and Political Preferences in Northern Ireland". The British Journal of Sociology 59(4).

Heath, Anthony, and Clive Payne (1999), "Twentieth Century Trend in Social Mobility in Britain". Retrieved from Center for Research into Elections and Social Trends Web Site (<http://www.crest.ox.ac.uk>)

Jarvela, Merja (1983), "The Permanency of Social Classes and Intergenerational Mobility in Finland", Research Institute for Social Sciences, University of Tampere. *Actu Sociologica* 2983(26), 3/4: 287-298.

